



تدابیر مجیدی برای شکستن طلسم ۹ ساله

فتح قلعه از مسیر جدید

فرهاد مجیدی برای قهرمانی در لیگ دو چالش بزرگ داشت. اولی رقابت با پرسپولیس که قهرمان پنج دوره قبلی لیگ بود و دومی غلبه بر این باور که استقلال تنها با قلعه نویی می تواند قهرمان شود. از آخرین قهرمانی استقلال ۹ سال می گذشت و گزینه های مختلف داخلی و خارجی توانسته بودند به جام برسند. از طرف دیگر فرمول قدیمی قلعه نویی هم در آخرین حضورش به نتایجی بهتر از پنجمی و ششمی ختم نشده بود. فرهاد مجیدی اما توانست استقلال را با فرمولی جدید و از مسیری متفاوت به قله لیگ برتر برساند. او به سبک بازی متفاوتی علاقه داشت و رابطه اش با بازیکنان هم مبتنی بر نظم و البته صمیمیت بود. مجیدی پس از دو تجربه کوتاه برای اولین بار فصل را با استقلال شروع کرد و با سیستم پایه ۴-۲-۳ فوتبالش مبتنی بر انتقال سریع را انتخاب کرد. این همان روشی است که کوتاه با آن جلسی را به قهرمانی لیگ برتر رساند و توخل دو سال قبل با آبی های لندن فاتح لیگ قهرمانان اروپا شد. دلیل انتخاب یک روش محتاطانه برای

استقلال این بود که مجیدی می دانست هواداران بالاتر از فوتبال زیبا و تهاجمی به دنبال جام هستند و اولویت با جمع کردن امتیازات است. بازی با سه مدافع امنیمان زیادی به فضا دفاع داد و کمک کرد که استقلال فصل را بدون باخت و بیاتنها ۱۰ گل خورد به پایان ببرد. یک رکورد فوق العاده. استقلال کمتر از سپاهان و پرسپولیس گل زد، ولی با فویتال اقتصادی توانست ۶۳ درصد بازی هایش را ببرد. بخش زیادی از برتری مجیدی نسبت به رقیبانش پیش از شروع فصل دور موعده نقل و انتقالات به دست است. استقلال نیمی از تیمش را نسبت به فصل قبل تغییر داد، ولی خریدهای مناسب کمک کرد که زمانی برای هماهنگی هدر نرود و استقلال فصل را با برد های متوالی و در قامت یک قهرمان شروع کند. مجیدی در این فصل رفتار مقله نتری داشت و با فاصله گرفتن از مصاحبه های تند اجاره نداد حاشیه ها خیلی به تیمش آسیب بزند.

نقش آفرینان موفقیت خیره کننده استقلال در لیگ بیست و یکم

پازل قهرمانی

بود و بین وزن متفاوتی به نیمکت استقلال داد. ترکیب استقلال ترکیب مناسبی از باتجربه ها و جوان ها و قدیمی ها و جدید ها بود. این پرونده عملکرد آنها را تحلیل و از نظر آماری بررسی کرده است.

آرمن ساروخانیان - قهرمانی استقلال در لیگ بیست و یکم نتیجه کاریک مجموعه هماهنگ از مدیریت باشگاه گرفته تا کادر فنی و بازیکنان اصلی و ذخیره بود. آجرو تجربه اش را در خدمت استقلال گذاشت، مجیدی مرد محوری این پروژه

مدیر عاملی که مثل قبلی ها نبود

بازگشت آرامش با آجرو

پس از چند چهره نا آشنا که در فصول گذشته در مدیریت استقلال ناکام شده بودند، مصطفی آجرو برای هواداران یک گزینه متفاوت بود. او هر چند سابقه استقلال نداشت، ولی به لطف تجربه طولانی مدیریت باشگاهی توانست آرامش را به استقلال برگرداند. تمهید قرار داد فرهاد مجیدی اعتماد بین سرمربی و مدیر عامل جدید را برقرار کرد و آجرو با جذب اکثر مهره های مورد نظر کادر فنی اجازه نداد امتیازات ارزشمند شروع فصل هدر برود. بخشی از نیروی مدیر عامل جدید صرف بررسی راه های جدید درآمدزایی شد و توانست امتیاز تبلیغات دور زمین را از سازمان لیگ بگیرد. تهابحران مدیریتی این فصل استقلال جدایی دومدافع اصلی تیم بود که نتوانست روند نتایج خوب تیم را متوقف کند. تفاوت بزرگ مدیریت آجرو با مدیران قبلی این بود که اجازه نداد تنش های زیادی به تیم سرایت کند و بدون چنین فضایی قهرمانی ممکن نبود.



اثر انگشت مرد ایتالیایی در بازی استقلال مشهود بود

گابریل پین مثل کی روش، مثل برانکو

سعید زاهدیان - پادم نمی آید چه سالی بود؛ شاید حدود ۲۰ سال قبل. در روزنامه های ایران کارلوس کی روش را «کوئیرز» می نوشتیم. شکل نوشتاری اسمش به پرتغالی «Queiroz» بود. همان سال ها مصاحبه ای از فرگوسن در وصف دستیارش خواندم با چنین مضمونی: «روز تمرین کنار چمن روی یک توپ می نشینم تا کارلوس کوئیرز بیاید. می نشینم و تماشا می کنم که او بر نامه و استراتژی تمرین را مشخص کرده و قبل از همه روی چمن موانع و کارهای لازم برای تمرین را انجام می دهد... با آمدن بازیکنان، تمرین زیر نظر کوئیرز شروع می شود و من حظ می برم از تمرینات و کارهایی که کارلوس انجام می دهد. روز مسابقه، من کت و شلوار می پوشم و کراوات می زنم و سرمربی هستم. یونایتد بازی ها را می برد و قهرمان می شود. در اواخر آفرود ۸۰ هزار نفر فرگوسن را تشویق می کنند ولی نمی دانند که این تیم خوب را کوئیرز ساخته!»

بعد از آن مصاحبه، با خودم گفتم چرا یک روز چنین مربیانی به ایران نمی آیند و مردانی در این قواره در فوتبال ایران حضور ندارند. پس از چند سال، میثائیل هنگه دستیار هیدزفلد - سرمربی سابق بایرن - به ایران آمد و در استقلال مشغول به کار شد. از خیلی ها پرس و جو کردم تا بدانم هنگه در چه سطحی است. همه - از مربیان گرفته تا بازیکنان - می گفتند که هنگه مربی دهن سوزی نیست و در

بعد از قهرمانی استقلال، استفانو پیولی سرمربی میلان که نیمش امسال قهرمان سری آ شد، موفقیت استقلال را به هواداران و کادرفنی - بخصوص گابریل پین - تبریک گفت. این موضوع نشان می دهد که «پین» شاید سرمربی موفقی نباشد، اما ثابت کرد که یک دستیار خوب، بی ادعا، کاریبد مناسب برای ایستادن کنار مربیان جوانی مانند مجیدی است. در نهایتن استقلال، نمی شود اثر انگشت گابریل پین را ندید. او بخش مهمی از موفقیت امسال آبی هاست.

عارف غلامی

او هم مثل سیلوا ورودی غیر منتظره به ترکیب استقلال داشت و فراتر از انتظار بازی کرد. مدافعی که نیم فصل اول را به دلیل جراحی زانو کاملاً از دست داد، بعد از جدایی یزدانی و مرادمند بلافاصله وارد ترکیب شد و فرم خیلی خوبی داشت. او ۱۲ بازی (یازده بازی کامل) به زمین رفت و در یک سوم پایانی فصل یکی از مدافعان مطمئن تیمش بود.

محمد دانشگر

او ۲۳ بار به عنوان مدافع جلوزن سمت راست برای استقلال به میدان رفت و نمایش نسبتاً خوبی داشت. دانشگر در حرکات روبه جلو هم مؤثر بود و در حملات به خوبی اضافه می شد. او در این فصل دو گل و یک پاس گل هم ثبت کرد. گل دوم او در بازی برگشت با سپاهان بود و کمک کرد که استقلال از اصفهان با امتیاز برتر گردد.

حسین حسینی

دروازمان اصلی استقلال در شروع فصل دو رقیب جدی به نام مظاهری و رضایی داشت. او بعد از گل تانیه آخر بازی مقابل فجر سیاسی در هفته چهارم، سه بازی متوالی روی نیمکت نشست و به نظر می رسید جایگشش را از دست داده، ولی از هفته هشتم و بازی رفت دربی به ترکیب برگشت. حسینی در این مقطع نمایش خیلی بهتری داشت و به خصوص در خروج های بهتر شده بود تا جایگاهش را تا پایان فصل تثبیت کند. او در لیگ ۲۶ بار (۵ بازی کامل) برای استقلال بازی کرد و تنها ۱۸ گل خورد تا ۱۸ گلین شیت ثبت کند.

علیرضا رضایی

تصور می شد که این دروازه بان ۲۲ ساله با حضور حسینی و مظاهری فرصتی برای بازی نداشته باشد، ولی در شروع فصل که دو رقیب نامدارش تا آماده بودند، به ترکیب اصلی رسید و نمایش مطمئنی داشت. او چهار بار در لیگ بازی کرد که سه گلین شیت داشت و فقط در آبادان دروازه اش باز شد. او سه بازی هم در جام حذفی داشت که بهترین نمایش او مقابل بیکان بود، ولی مقابل نساجی نتوانست هیچکدام از تپانلی ها را مهار کند. او خیال مجیدی را به عنوان یک دروازه بان ذخیره مطمئن راحت کرد.

محمد حسین مرادمند

مرادمند هم مثل یزدانی از مهره های کلیدی دفاع استقلال بود که به دلیل سربازی مجبوره جدایی شد. او ۱۵ بار برای استقلال در نقش مدافع جلوزن چپ بازی کرد و نسبت به فصل گذشته پیشرفت خیلی خوبی داشت. او احتمالاً می تواند فصل آینده دوباره به ترکیب استقلال برگردد.

ابوالفضل جلالی

او در نیم فصل اول مصدوم بود و در نیمه دوم فصل ۱۰ بازی بازی کرد. درخشش سلمانی در پیستون چپ فرصت بازی جلالی در این پست را محدود کرده بود و مجیدی در اواخر فصل از او بیشتر به عنوان جلوزن چپ استفاده کرد که با توجه به سرعت خوب و جنگندگی اش نمایش خوبی داشت.

مالح خردانی

او در تجربه زمستانی به استقلال اضافه شد و خیلی زود در ترکیب اصلی جا افتاد. دوندگی، سرعت بالا، اضافه شدن به حملات و سانترهای خوب خردانی سمت راست استقلال را به نقطه خطرناکی برای حریفان تبدیل کرده بود. او ۱۴ بار برای استقلال بازی کرد و دو پاس گل و یک گل داشت. خردانی در بازی برگشت دربی جانشین ویرا شد و گل تساوی را با سانتری دیدنی برای ژستد ساخت، ولی بهترین بازی او مقابل تیم سابش فولاد بود که پاس گل اول را به حسین زاده داد و گل دوم را با شوتی دیدنی زد تا قهرمانی استقلال در اواخر قطعی شود.

ویرا غفوری

کاپیتان استقلال در ۳۴ سالگی درخشش فصول گذشته را نداشته و پس از اضافه شدن خردانی بیشتر به عنوان بازیکن تعویضی به زمین رفت. ویرا ۱۹ بار در نقش پیستون راست به زمین رفت و یک پاس گل هم مقابل صنعت نفت در آبادان داشت. البته او هر بازی که به عنوان بازیکن ذخیره در نیمه دوم به زمین رفت، کار آبی بهتری داشت.

مهدی مهدی پور

هافبک اصفهانی در دومین فصل حضورش در استقلال نقش طراح و مترون و خط میانی را به خوبی اجرا کرد. او با دوندگی بالا فضای جلوی دفاع را پوشش می داد و با پاس های بلند بازیکنان کناری را به خوبی تغذیه می کرد. او تنها بازیکن استقلال است که در تمام بازی ها حاضر بود و رکورد ۲۶۳۲ دقیقه بازی را ثبت کرد. مهدی پور ۷ پاس گل داشت و تگل گل و شوت دیدنی اش در بازی رفت با فولاد بود که سه امتیاز مهم به استقلال هدیه کرد.

سجید مهری

هافبک سابق تراکتور بیشتر به عنوان بازیکن ذخیره به زمین رفت و نتوانست خودش را به ترکیب اصلی برساند. مهری بعد از جدایی رضاوند فرصت بازی بیشتری پیدا کرد و در مجموع ۱۲ بار به زمین رفت. او معمولاً زمانی به بازی می رفت که کادر فنی به دنبال حفظ نتیجه بود و مجموع دقیق بازی اش از ۱۳۹ دقیقه فراتر نرفت.

زیرنیک نقس

او در شروع فصل جایی در ترکیب اصلی نداشت و دقائق کوتاهی به زمین می رفت، ولی از هفته نهم توانست به ترکیب اصلی برسد و بهترین مکمل مهدی پور در مرکز زمین بود. نیک نقس دوندگی و جنگندگی خوبی داشت و با پاس های کوتاه و بلند نقس مهمی در انتقال از دفاع به حمله داشت. او ۲۳ بار بازی کرد که اکثر آنها به عنوان بازیکن ثابت بود و دو پاس گل هم داشت.

روزبه چشمی

او در بازگشت به استقلال آمادگی سال های قبل را نداشت، ولی در مقطعی که دو مدافع تیم جدا شدند، توانست خط دفاع را سر و سامان بدهد. چشمی در شروع فصل بیشتر به عنوان هافبک دفاعی بازی کرد، ولی به عنوان مدافع آخر باتجربه بالا و با روحانی اش نمایش بهتری داشت. چشمی در مجموع ۱۹ بار برای استقلال به زمین رفت.

جعفر سلمانی

در شروع فصل تردید های زیادی درباره کیفیت سلمانی مطرح شد، ولی او در نقش پیستون چپ نمایش خیلی خوبی داشت. ویژگی مهم بازی سلمانی اضافه شدن به خط حمله بود و در بازی هفته اول مقابل هوادار، بازی رفت مقابل سپاهان و بازی برگشت با فجر سیاسی تک گل سه امتیازی تیمش را زد. او در ۲۹ بازی گل زد و دو پاس گل داد که با توجه به پست بازی اش آمار خیلی خوبی است.

کوبین بامگا

قرار بود او ذخیره ویرا در پیستون راست باشد، ولی در همان بازی اول به دلیل نیاز به خط حمله رفت و با دو گلی که در فولاد شهر به ذوب آهن زد به مهاجم کلیدی تیم تبدیل شد. او در بازی برگشت مقابل ذوب آهن گل گهر هم با گل هایش سه امتیاز را برای استقلال به دست آورد. او در ۲۷ بازی توانست ۱۰ گل بزند که ۵ تا از آنها را با خوشحری مثال زدنی اش از زوری نقطه پتانلی زد. او همچنین سه پاس گل به نامش ثبت کرد.

سبحان خاقانی

انتخاب جتجایی مجیدی در خط میانی منتقدان زیادی داشت، با این حال ۱۲ بار در لیگ به میدان رفت. بازیکنی که گفته می شود در تمرینات خیلی بهتر از مسابقه است، در ۴۱ دقیقه بازی نتوانست گلی بزند یا بسازد.

امیر حسین حسین زاده

خرید ناشناخته مجیدی خیلی زود در ترکیب جا افتاد و به مهره کلیدی استقلال تبدیل شد. او بازی خوشش مقابل الهلال را در لیگ هم تکرار کرد و به عنوان مهاجم دوم بازیکنی زهر دار بود که تکلیف چند بازی مهم را با گل هایش روشن کرد. حسین زاده در تمام ۳۰ بازی استقلال حضور داشت (۲۸ بازی در ترکیب اصلی)، ۸ گل زد و یک پاس گل داد. بدون در نظر گرفتن ضربات پتانلی، حسین زاده بهترین گلزن این فصل استقلال بود. گل او مقابل صنعت نفت در بازی رفت استقلال را از شکست در آبادان نجات داد و در بازی با تراکتور و صنعت نفت (بازی برگشت) توانست گل های سه امتیازی بزند.

عزیزک آمانوف

هافبک ازبک در نیم فصل دوم اضافه شد و تصور می شد که بازیکن مؤثری باشد، ولی با وجود صحنه های درخشانی که گاه و بگاه خلق می کرد، نتوانست به ترکیب اصلی برسد. او ۱۰ بار در لیگ بازی کرد و بدشانس بود که نتوانست گلی بزند. آمانوف بعد از هدر دادن پتانلی مقابل نساجی در جام حذفی فرصت بازی خیلی کمتری پیدا کرد.

آرمان رضانی

مهاجم سابق پرسپولیس ذخیره مؤثری بود و در اواخر فصل حتی توانست جای ژستد در ترکیب اصلی را بگیرد. او دو گل زد که هر دو مقابل شهر خودرو به نمر رسید و گل بازی برگشت برای استقلال سه امتیاز ارزشمند داشت.

رودی ژستد

مهاجم سابق استون ویلا قرار بود جانشین دیابته شود، ولی در زن ضربات آخر موفق نبود. با این حال با قدرت سرزنی و توان بدنی بالایش آزاری دائمی برای مدافعان میانی حریف بود و فضای خوبی برای بامگا، حسین زاده و سلمانی می ساخت. او در ۲۲ بازی سه گل زد که مهم ترین آنها در دربی برگشت بود و بلافاصله پس از ورود به زمین توانست با سر شیرجه ای اش تیمش را از شکست نجات دهد. ژستد که سه پاس گل هم داشت، در اواخر فصل جایش در ترکیب اصلی را به رضانی داد.

ارسلان مظهری

او آمادگی فصول قبل را نداشت و جایش در ترکیب اصلی را به ژستد داد، ولی به عنوان بازیکن ذخیره چند بار توانست گره گشا شود. او سه گل زد و یک پاس گل داد که گل بازی رفت به تراکتور سه امتیازی بود.

استقلال فصل را با ۱۹ برد و یازده تساوی به پایان برد تا میانگین امتیاز ۲/۴ ثبت شود. استقلال در هفته های آخر تساوی های زیادی داشت (۵ تساوی در ۸ بازی)، و گر نه می توانست امتیازات بیشتری به دست آورد. این میانگین امتیاز با رئال مادرید، میلان و پاری سن ژرمن و بایرن مونیخ قهرمان لیگ های اسپانیا، ایتالیا، فرانسه و آلمان برابر است و در پنج لیگ برتر اروپا تنها تیم های منچستر سیتی (۲/۵) و لیورپول (۲/۴) میانگین امتیاز بالاتری دارند.

2/26

استقلال در لیگ بیست و یکم فقط ۷۲ دقیقه از حریفانش عقب افتاد. اولین بار هفته هفتم بود که صنعت نفت توانست گل اول بازی را در دقیقه ۸ به استقلال بزند، ولی حسین زاده در دقیقه ۳۹ بازی را به تساوی کشاند. در هفته بیست و سوم هم پرسپولیس با گل دقیقه ۴۰ نعمتی بیش افتاد و می خواست اولین شکست فصل را به استقلال تحمیل کند، ولی ژستد در دقیقه ۸۱ گل تساوی را زد. این آمار اتفاقی نیست و به لطف کنترل بازی بالای استقلال به دست آمد که به ندرت برابر حریفان غافلگیر می شد.

72

استقلال در لیگ بیست و یکم، ۲۵ هفته صدرنشین بود و تنها ۵ هفته این رتبه را به رقیبان واگذار کرد. تیم مجیدی شروع خوبی داشت و در هفته سوم صدرنشین شد. این تیم در هفته یازدهم برای سومین بار به صدر رسید و تا پایان لیگ این رتبه را حفظ کرد. استقلال در این فصل از رتبه چهارم پایین تر نرفت. شروع خوب و صدرنشینی استقلال به بازیکنان این تیم کمک کرد اعتماد به نفس بگیرند و بر عکس رقیبان راحت فشار قرار داد. صدرنشینی طولانی استقلال نشان می دهد که این تیم خیلی زود به فرم قهرمانی رسید و آن را حفظ کرد.

25